کارگران همه کشورها متحد شوید !

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۷۴۰، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۸ خرداد ۱۳۸۵

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران درباره درگذشت رفیق محمود اعتماد زاده(م.ا. به آذین)

رفیق محمود اعتماد زاده(م.ا. به آذین)، نمودار زنده و فعال آرمان تابناک آدمیگری، چشم از جهان فرو بست

«... دلم را از درون سینه برکندم و پیش عقاب انداختم. او بدان مشغول شد، و من از او آرام گرفتم...»

نقش پرند- م.ا. به آذین

رفیق محمود اعتماد زاده (م.ا. به آذین)، از پیش کسوتان داستان نویسی معاصر ایران، نویسندهٔ توانا، از نخبگان هنر ترجمه، روزنامه نگار و شخصیت اجتماعی و انقلابی برجسته ایران، پس از بیش از شصت سال کار ادبی و فعالیت اجتماعی و انقلابی، چهارشنبه دهم خرداد، دیده بر جهان فرو بست، و میهن ما یکی از فرزندان فرزانه، هنرمند و انقلابی خود را از دست داد. جای خالی آفرینشگری های همواره نو و بی وقفه او در عرصهٔ هنر و زبان فارسی بی تردید سالیان درازی نمایان خواهد ماند.رفیق محمود اعتماد زاده در ۱۲۹۳ در رشت متولد شد، دوران دبستان را در زادگاهش گذراند و دوران

ادامه در صفحه ۳

باید بر دشواری های کنونی برای سازمان دهی جنبش مردمی و مقابله با ارتجاع غلبه کرد

نزدیک به یک سال از برگزاری «انتخابات» پر از تقلب و غیر دموکراتیک رژیم ولایت فقیه می گذرد. نیروهای ارتجاعی با اتکاء به اهرم های مختلف قدرت، ضعف عمومی جنبش مردمی و عدم سازمان یافتگی آن، پراکندگی و انشقاق در صفوف نیروهای اصلاح طلب و مخالف رژیم و همچنین مماشات و بی عملی دولت خاتمی توانستند با استفاده وسیع و بی سابقه از نیروهای سپاه و بسیج و وابستگان به آنها محمود احمدی نژاد را بر مسند ریاست جمهوری بنشانند.

احمدی نژاد و مدافعان او، یعنی یکی از ارتجاعی ترین و تاریک اندیش ترین گروه ها، در مجموعه نیروهای «ذوب شده در ولایت»، با درک نارضایتی مردم از کمبودها، محرومیت و فقر شدید، در حالی که سران حاکمیت برای خود ثروت های افسانه یی اندوخته اند، اساس کارزار تبلیغاتی خود را نه بر اختلاف های سیاسی - نظری با اصلاح طلبان بلکه بر تحقق عدالت و کاهش فاصله عظیم میان فقر و ثروت در جامعه قرار دادند و توانستند بخش هایی از محرومان جامعه را با این شعارها بفریبند.

حزب ما در دوران برگزاری انتخابات با ابراز نگرانی درباره انحصار اهرم های دولتی - حکومتی در دست ذوب شدگان در ولایت نسبت به عواقب چنین روندی هشدار داد. خطر تهاجم ارتجاع به دست آوردهای جنبش اصلاح طلبی، که در نتیجه این مبارزه مردمی هشت ساله به دست آمده بود، سرکوب مجدد برخی آزادی های محدود برای فعالیت اجتماعی - صنفی، و از صحنه خارج کردن نیروهای اجتماعی، در صورت تحقق، خطری جدی و گامی به پس در مبارزه جنبش مردمی بر ضد رژیم ولایت فقیه بود.

همان طور که پیش بینی می شد ارتجاع در طی سال گذشته با گام های سازمان یافته و در عین حال آرام، آرام، برای جلوگیری از تنش ها و عکس العمل های وسیع در درون جامعه، حملات اساسی یی را بر ضد جنبش مردمی و گردان های اجتماعی آن تدارک دید و اجرا کرد. شناخت ماهیت عملکرد ارتجاع و دولت جدید آن برای درک چگونگی مقابله جنبش مردمی با خطرات جدی یی که آن را تهدید می کند حائز اهمیت است.

ارتجاع برای به دست گرفتن ابتکار عمل و زیر

ادامه در صفحه ۶

پشتیبانی حزب توده ایران از مبارزات دلیرانه زنان ایران برای رفع نابرابریهای جنسی و دستیابی به آزادی و برابری

فعالان جنبش زنان در ایران به مناسبت بیست و دو خرداد روز اعتراض به نقض قوانین زن ستیزانه در قانون اساسی، طی اعلامیه ای یکبار دیگر اعتراض و گردهمایی مسالمت آمیز خود را در روز دوشنبه ۲۲خرداد ماه سال جاری (ساعت پنج تا شش بعد از ظهر در میدان تیر) اعلام داشته اند و از همه شهروندانی که به نقض حقوق زنان اعتراض دارند، خواسته اند تا به این گردهمایی بپیوندند. دراین اعلامیه از جمله آمده است:

«از زمان تدوین قوانین در انقلاب مشروطه طی صد سال گذشته ، تلاش زنان ایرانی همواره متوجه دستیابی به حقوق برابر و انسانی بوده است. اما با وجود تمامی این تلاشها، در کلیه قوانین از جمله قوانین مدنی و جزایی، حقوق اولیه زنان همچنان نادیده گرفته شده و بن بست های قانونی بسیاری را بر زندگی جامعه ایرانی تحمیل کرده است.ما زنان در۲۲ خرداد گذشته یک دل و یک صدا اعتراض خود را به کلیه قوانینی که حقوق زنان را نقض کرده اند ابراز داشتیم اما مطالبات بر حق ما همچنان بی پاسخ مانده است. بدین سبب

ادامه در صفحه ۵

در این شماره

ادامه سیاست های کارگر ستیزانه دولت جدید ص۲
نامه کارگران به سازمان بین المللی کار ص ۴
حکایت جام زهر و داروی تلخ در رژیم ولایت فقیه ص ۴
گروه پزشکی کوبا در خدمت محرومان پاکستان ص ۷
گردهم آیی بین المللی بر ضد امپریالیسم ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه» !

ادامه سیاست های کارگر ستیزانه، اخراج کارگران واستخدام بسیجیان

وزیر کار با ارسال نامه ای به ادارات کار در سراسر کشور اعلام داشته است با اجرای ماده ۲۷ قانون کار،کارفرمایان می توانند بدون وجود مانع قانونی نسبت به اخراج کارگران واحد خود اقدام کنند. در همین حال جهرمی اعلام داشته است بیش از ۱۰۰۰ نفر بسیجی در بخش های مختلف از جمله در بازرسی وزارت کار استخدام و به کار گرفته می شوند! همزمان با سیر پرشتاب حوادث در میهن ما،هرروز که می گذرد جزئیات تازه ای از برنامه ها و یا بهتر گفته باشیم توطئه های وزارت کار و دولت برگمارده ولی فقیه در خصوص مسایل مربوط به کارگران و زحمتکشان روشن واز پرده برون افکنده می شود. در هفته های گذشته به موازات افزایش نگران کننده اخراج ها، معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در جریان یک نشست مطبوعاتی که خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه آن را انتشار داد، اعلام کرد: «تا اصلاح قانون کار فقط از طریق دستمزدها وضعیت بازار کار را سامان دهی می کنیم، هر ساله حداقل دستمزد بر مبنای دو موضوع اصلی اقتصادی یعنی تورم وسبد هزینه تعیین می شود، این اجازه به شورای عالی کار داده شده که در صنایع مختلف و مناطق جغرافیایی، گوناگون در مورد دستمزد ها تصمیم لازم را اتخاذ کند. پرداخت یک عدد بیشتر به کارگر معادل ۹ عدد منافع برای کارفرماست.» او سپس در ارتباط با برنامه تعدیل اقتصادی اشاره کرد: «کارگران موقت یعنی قراردادی ها جزوطبقه بندی مشاغل قرار ندارند، پیش بینی ما در وزارت کار اینست حداقل ۳۰ هزار نفر نسبت به سال گذشته به تعداد کارگران اخراج شده افزوده شده است.» این موضع گیری نشان می دهد که وزیر کار و معاونان او به تبعیت از سیاست کلی رژیم ولایت فقیه، به طور هدفمند و سازمان دهی شده برنامه ای را پیش می برنند که محتوی آن چیزی جز نابودی کامل حقوق و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نیست. بحث اصلاح قانون کار و مساله میزان حداقل دستمزد ها که اینک به یک معضل جدی بدل گردیده در طی هفته های اخیر موجب آن شد که دامنه درگیری در این خصوص میان زحمتکشان و ارتجاع حاکم ابعاد گسترده و تازه ای بیابد. در این باره جهرمی وزیرکار در پاسخ به انتقادهای جناح بندی های دیگر حاکمیت و بویژه نهادهایی چون خانه کارگر و کانون عالی شوراهای اسلامی با صراحت هرچه تمامتر یادآوری کرد :اصلاح قانون کار حکم برنامه چهارم توسعه می باشد، ما موظفیم که اصلاح قانون کار را مطابق با شرایط اقتصادی، اجتماعی به مجلس شورای اسلامی ارایه کنیم، اکنون این اصلاحیه مراحل کار شناسی را طی می کند. بر اساس همین سیاست است که شاهد انواع طرح ها وبرنامه ها از جمله تعدیل نیروی انسانی یعنی اخراج های گسترده و ایجاد جو پلیسی در مراکز کارگری وصنعتی هستیم. نکته مهم در این برنامه که وزیر کار طی یک مصاحبه مطبوعاتی آنرا اعلام کرده است، اخراج کارگران و بکارگیری بسیجیان است. خبرگزاری کار ایران ایلنا به تاریخ ۳ خرداد ماه مصاحبه جهرمی را در این باره منتشر ساخت، او ضمن تاکید بر اجرای اصلاح قانون کار و حمایت از کارفرمایان گفت: «در نظر داریم به بخش خصوصی هم که مایل به ایجاد آموزشگاه فنی باشد تسهیلات مختلف ارایه کنیم، ما در وزارت کار با کمبود نیرو و بازرسان مواجهیم و در نظر گرفته ایم که امسال یک هزار نفر ازبسیجیان را در بخش بازرسی وزارت کا ربه کار بگیریم.» افراد بسیج و پاسدار درست در زمانی به استخدام وزارت کار در می آیند که وزیر کار چندی پیش در جهت حمایت از کلان سرمایه داران و دلالان، نامه ای را به ادارات کل کار سراسر کشور ارسال کرده که در آن تاکید شده در مساله اخراج کارگران از کارفرمایان حمایت کرده و مانعی برای آنها بوجود نیاورند. خبرگزاری کار ایران ایلنا در این باره به تاریخ ۷ خرداد ماه گزارش داد :وزیر کار به تازگی نامه ای را به ادارات کل کار کشور ارسال داشته که با استفاده و استناد به آن کارفرمایان به راحتی با اجرای ماده ۲۷ قانون کار نسبت به اخراج کارگران واحد خود اقدام می کنند. به علاوه همین خبرگزاری به تاریخ ۲ خرداد ماه از قول معاون دبیرکل خانه کارگر یعنی تشکل زرد وابسته به رژیم تاکید کرد: «وزیر کار اخیراًدر جمعی اعلام کرده است که مدیران کل کار استان ها و مناطق مختلف کشور حکم بازگشت به کار اخراجی ها را صادر نکنند و چنانچه این کار را انجام دهند،با آنان برخورد خواهیم کرد....» در این میان و بر اثر وضعیت وخیم حاکم بر زندگی و کار زحمتکشان اتاق بازرگانی ایران نیز تحت حمایت قاطع وزارت کار و شخص جهرمی، نامه ای را خطاب به اتحادیه ها و مجامع صنفی کارفرمایی انتشار داد و به همه آنها ابلاغ کرد کارفرمایان واحدهای کوچک کمتر از ۱۰ نفر از اجرای بخشنامه دستمزد سال ۸۵ در مورد کارگران قراردادی و رسمی معاف هستند! معلوم نیست اتاق بازرگانی با کدام مجوز قانونی و اصولاً کدام قانون به مثابه یک نهاد حکومتی رفتار و دستور عدم اجرای مصوبات ارگان های رسمی را صادر می کند .در این زمینه نماینده کارگران هشتگرد به خبرنگار ایلنا خاطرنشان ساخته است : خاموشی (رییس اتاق بازرگانی ایران) می خواهد چراغ خانه ۳۵ میلیون کارگر را خاموش کند، همین آقایان زمانی کارگاه های کمتر از ۵ نفر را از شمول قانون کار و تامین اجتماعی خارج کردند، حال می خواهند کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر را از مصوبه مزد ۸۵ محروم نمایند .آقای خاموشی این بخشنامه را ابلاغ کرده تابه کارفرمایان واحدهای کوچک بگوید که مجاز هستید کارگران این واحدها کمتر از حداقل دستمزد مصوب، حقوق پرداخت کنید و این یعنی عین بی عدالتی و متاسفانه افرادی نظیر آقای خاموشی در صف اول نماز جمعه می ایستند و واجب الهی را به جای می آورند در حالیکه واجب ترین و بالاترین عبادت خدمت به خلق است. نامه و یا بهتر گفته باشیم بخشنامه اتاق بازرگانی ایران به ریاست خاموشی با موافقت وزیر کار دولت احمدی نژاد تهیه و با حمایت آنها به صنوف کارفرمایی ابلاغ و ارسال گردیده است. پس از افشای نامه مذکور و گسترش اعتراضات کارگری برخی انجمن های کارفرمایی اعلام کرده اند، همه بنگاه های کشور باید مشمول نامه اتاق بازرگانی شوند در این خصوص یکی از نمایندگان کارفرمایی عضو اتاق بازرگانی تهران ضمن پشتیبانی از نامه ارسالی اعلام کرده است iخواستار تعمیم نامه اخیر اتاق بازرگانی ایران برای تمامی بنگاه های اقتصادی هستیم با چنین ابلاغیه ای بدون شک انگیزه خوبی برای کوچک شدن بنگاه های بزرگ در جهت رشد اقتصادی آنها ایجاد می شود . در شرایط فعلی ما دست به هر کاری از جمله تعدیل نیرو [بخوان اخراج] می زنیم."این برنامه دقیقاً در راستای همان سیاست اصلاح ساختار اقتصادی است که اصلاح قانون کار با هدف تامین امنیت سرمایه و فراهم ساختن نیروی کار ارزان ومطیع در قلب آن جای دارد .جنبه دیگر این به اصطلاح اصلاح قانون کار،تضعیف سازمان تامین اجتماعی است. در ارتباط با بیمه تامین اجتماعی اکنون کارگران در بدترین وضعیت قرار دارند .خبرگزاری ایلنا به تاریخ ۲ خرداد ماه از قول اعضای کمیته بیمه و درمان کانون عالی شوراها نوشت: «در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد کارگران شاغل در واحدهای کوچک صنفی از مزایای بیمه تامین اجتماعی محروم هستند. کارفرمایان به انحاء مختلف از ارسال لیست و اعلام اسامی کارگران به تامین اجتماعی طفره می روند. بطوری که کارگران واحدهای کوچک در آستانه بازنشستگی و پس از حداقل ۲۵ سال سابقه کار سوابق بیمه ای آنان معمولاً کمتر از ۱۰ سال ثبت شده است کارگرانی که پیش از بازنشستگی فوت می کنند، به علت نداشتن سابقه بیمه صحیح فرزندان وهمسران آنان اغلب در شرایط نامساعد معیشتی قرار می گیرند ».همچنین دبیرکانون انجمن های صنفی کارگران کوره پز خانه های استان تهران در تاریخ ۸ خرداد ماه به خبرنگار ایلنا خاطر نشان ساخت: «به دلیل پایین بودن میزان دستمزد کارگران صنوف دریافتی آنان در هنگام بازنشستگی جوابگوی زندگی یک خانواده نیست، بیشتر کارگران صنوف بیمه نیستند و کارفرمایان از بیمه کردن آنان خودداری می کنند ».در چنین وضعیتی که

ادامه در صفحه ۶

ادامه اطلاعیه کمیته مرکزی ....

دبیرستان را در مشهد. و شاید این دوره از زندگی او می توانسته سر آغاز تاثیر پذیری او از نثر خراسان بیهقی و ابوسعید و نیز مثنوی مولانا، جدا از شیفتگی اش به نثر و قالب حکایات سعدی که آن خود نیز سرچشمه در نثر خراسان داشت، باشد. پس از تحصیل مهندسی در فرانسه به خدمت نیروی دریایی جنوب درآمد و در بمباران انزلی در سوم شهریور ۱۳۲۰ دست چپ خود را از دست داد. از همان اوائل بنیانگذاری حزب توده ایران، به مقتضای کشش درونی اش به مبارزه در راه صلح و آزادی، برابری، و هم پیمانی با توده های زحمت، به حزب توده ایران پیوست. در هیچ زمانی، و هیچ گونه فعالیتی رفیق به آذین را از مبارزه برای صلح، که شاید حتی بخش عمده ای از ایده ئولوژی هنری او را تشکیل می داد بر کنار نداشت. می توان گفت که گرایش او به آثار رومن رولان از آنجا بود که او را «مرد صلح و برابری مردم در جهان ... چشمی گشاده بر رنج و امید آدمی در هر گوشهٔ خاک . مردی مردانه، نمودار زنده و فعال آرمان تابناک آدمیگری» می دید، هر چند که با فروتنی ویژه خود می گفت «من و صد ها چو من به گرد پای او نمی رسیم»، اما به راستی مگر به آذین در کار آفرینشگرانه و زندگی اش خود جز این بود؟ مگر او خود جز چشمی گشاده بر رنج و امید آدمی، نمودار زنده و فعال آرمان تابناک آدمیگری، با همهٔ وجود و از صمیم دل، بود؟ رفیق به آذین در جوّ تماماً امنیتی، و میان منگنهٔ اختناق آریامهری، پشت میز خطابهٔ کانون نویسندگان در سال ۱۳۴۷، که خود از سازمان دهندگان آن بود، قرار گرفت و گفت: «منی که به سانسور اندیشه و گفتار خود تن می دهم، منی که به بهانه ترس از یک طرف و قدرت قاهر از طرف دیگر در امور شهر و کشور خود دخالت نمی کنم، رای نمی دهم، انتخاب نمی کنم و انتخاب نمی شوم، تجاوز را می بینم و دم نمی زنم، منی که باید بروم و در برابر میزی بنشینم و حساب عقیدهٔ خود را و ایمان خود را، حساب دوستی ها و دشمنی های خود را، حساب دیروز و امروز و فردای خود را به بیگانهٔ سمجی که نماینده قدرت قاهر روز است پس بدهم، اهانت ببینم و زیر ورقهٔ اهانت را به دست خود امضا بکنم، من شاید آزادی را بفهمم، ولی جرأت آزادی ندارم. نقصی، علتی در شخصیت انسانی من است که اگر بر آن آگاهم هرچه زودتر باید به جبران آن برخیزم و گرنه شایسته نام انسان نیستم.» حتی شنیدن این سخنان، در آن زمان، بعضی از شنوندگانش را ترساند، و او هزینه آن را با زندانی پرداخت که گزارش آن در «میهمان این آقایان» آمده است.رفیق به آذین سردبیری مجله های ادبی و فرهنگی «صدف»، یکی از نخستین نمونه های جنگ های ادبی که بعد ها رایج شد، و نیز «کتاب هفته» کیهان، و «پیام نوین» را بر عهده داشت. او همچنین، با نظم، سخت کوشی و جدیت سرشتی خود، همراه با دیگر نویسندگان و هنرمندان مبارز، دوره دوم کانون نویسندگان ایران را از ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ سازمان داد، و آن را به تشکل معتبر و نافذ نویسندگان و شاعران ارتقاء داد، و از ۱۳۵۸ شورای نویسندگان و هنرمندان ایران را بنیان گذاشت.رفیق به آذین غیر از کتاب های داستانی در میان مردم، دختر رعیت، مهرهٔ مار، نقش پرند، و گزارشِ میهمانی این آقایان، و نمایشنامه کاوه، تحقیق قالی ایران و بر دریا کنار مثنوی، آثار برجسته ای از بالزاک، شکسپیر، آکسل مونته، شولوخف، گوته (فاوست)، و «اولن اشپیگل»، و نیز آثار بزرگ رومن رولان، از جمله جان شیفته، که در جریان جنبش مردمی ایران در دهه پنجاه منتشر شد و قهرمان زن آن- آنت ری وی یر- به نوعی الهام بخش ارتقاء معنوی زنان در آن مقطع زمانی شد، با هنرمندی و نثر پاکیزه و زیبای فارسی خود ترجمه کرده است، که جزو گنجینهٔ ارزش مند آفرینشگری و نیز زبان فارسی است.رفیق به آذین در طول بیش از شصت سال آفرینشگری هنرمندانه و فعالیت اجتماعی و انقلابی خود، و در همه دوره های سال های خفقان بار، در هر دو رژیم شاهی و جمهوری اسلامی، هرگز سکوت پیشه نکرد. او به راه های خاص خودش در جهت آزادی بیان و حقوق مردم میهن مبارزه کرد. سالیان درازی از سن پیری خود را در زندان های رژیم ولایت فقیه، میهمان این یکی آقایان بود، و شکنجه گران ولی فقیه به خیال خود و به قصد تخریب این دژ فرهنگی و معنوی از هیچ آزار و بی شرمی یی در باره او دریغ نکردند، اما رفیق به آذین، با همه صدمه های روحی و جسمی یی که از زندان و شکنجه رژیم تاریک اندیشان دید، در آخرین مصاحبهٔ مطبوعاتی خود با روزنامه شرق (۱۱ آبان ۸۲)، در پاسخ به این سئوال که، آیا از راهی که رفته اید رضایت کامل دارید .... و اگر فرصت دوباره ای برای زیستن به شما بدهند باز هم همین راه را در پیش خواهید گرفت، می گوید: «دوست ارجمند، بر من ببخشید و سراب زندگی دوباره را به رخم نکشید، پرسشی که پاسخ نمی تواند داشت از من نکنید. من جز آنچه بوده ام نمی توانم بود.» رفیق به آذین اثری ژرف بر ادب، هنر و فرهنگ معاصر میهن ما، بر شخصیت های ادبی و هنری، و بر چند نسل جویندگان آزادی و حقوق انسانی در میهن ما داشته است، اثری ماندگار، چه در نوع سخن و چه در نوع نگاه به جهان. نگاه جسور و در عین حال اندیشه مند به آذین افق های امید و مبارزه را در برابر انسان دردمند میهن ما می گشاید .کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران ضایعه درگذشت رفیق «به آذین» را به بازماندگان او، جامعه ادبی-هنری کشور و همه اعضاء و هواداران حزب تودهٔ ایران صمیمانه تسلیت می گوید.یادش جاودانه باد .

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران
۱۲ خرداد ماه ۱۳۸۵

به درود رفقا!

* **رفیق محمد علی طبرسی** مبارز پر سابقه توده ای و از پیش کسوتان جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان ایران چندی پیش در تهران چشم از جهان فرو بست. وی یکی از فعالان شناخته شده و مورد اعتماد و احترام کارگران صنوف به شمار می آمد و در طول بیش از شش دهه فعالیت و مبارزه سندیکایی از محبوب ترین و آگاه ترین چهره ها و رهبران جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما بود. رفیق طبرسی در سال ۱۳۰۲ در شهر رشت دیده به جهان گشود و از همان کودکی با رنج و زحمت آشنا گردید. در جوانی به صفوف حزب طبقه کارگر ایران حزب توده ایران پیوست و تا پایان عمر با وجود سختی ها و ناملایمات فراوان و دستگیری های مختلف در رژیم سرنگون شده سلطنتی و رژیم ولایت فقیه به حزب خود وفادار ماند. او در سال ۱۳۲۳ به کار سندیکایی به عنوان یک کارگر بافنده سوزنی پرداخت و در صفوف شورای متحده مرکزی تجربیات ارزشمند بسیاری آموخت که بعدها بویژه پس از انقلاب بهمن هنگام سازماندهی کارگران صنوف مورد استفاده قرار گرفت. رفیق طبرسی همواره مورد اعتماد کارگران بود و در دوره های متعدد از سوی کارگران به سمت دبیر سندیکای کارگران بافنده سوزنی انتخاب شد. او پیش از بیماری که سرانجام او را از پای در آورد، دبیر سندیکای بافنده سوزنی بود وخدمات بسیار ارزشمندی به مبارزه کارگران در راه احیاء حقوق سندیکایی انجام داد. با درگذشت رفیق طبرسی حزب ما یکی از مبارزان خوش نام و پر سابقه جنبش سندیکایی و یکی از رهبران آگاه و مجرب خود را از دست داد. حزب توده ایران در گذشت این مبارز فداکار و خستگی ناپذیر را به خانواده او، فعالان سندیکایی و مبارزان توده ای تسلیت گفته و یاد او را گرامی می دارد.

بدرود رفیق طبرسی راه و مبارزه تو همواره در خاطره زحمتکشان باقی خواهد ماند.

رفیق فاضل، بدرود

رفیق فاضل بهمنش، از فعالان جنبش کارگری و حزب توده ایران در آبادان، در ۱۳۰۳ در خرمشهر، در خانواده ای کارگر، به دنیا آمد، و پس از سال ها بیماری در آسایشگاه سالمندان در خارج از ایران چشم بر جهان فرو بست. رفیق فاضل از اوان جوانی و ورود به مدرسه فنی (تکنیکال اسکول) آبادان به حزب توده ایران پیوست، و با فعالیتی خستگی ناپذیر در جلب جوانان شهر به صفوف حزب تلاش بسیار ورزید. او در دهه بیست دوره ی کوتاه کادر حزبی را نزد اعضای کمیته مرکزی حزب در تهران گذراند، و پس از بازگشت سازمان جوانان خرمشهر را بنیاد گذاشت. او در جریان اعتصاب بزرگ کارگری آبادان در سال های ۱۳۲۵ فعال بود. رفیق فاضل تا پایان عمر به آرمان های حزب توده ها وفادار ماند. یادش گرامی باد.

دانشجویان اغفال شده یا دانشجویان مبارز

در پی اعتراضات اخیر دانشجویی در اغلب دانشگاه های شهرهای مختلف کشور و به خاطر جلوگیری از گسترش این گونه حرکت ها رژیم با سیاست های معینی قصد تضعیف جنبش روبه اوج جوانان و دانشجویان را دارد. این نوع مبارزات دانشجویی که می توان آنها را بیشتر حول دو محور اصلی یعنی خواسته های سیاسی و صنفی معرفی کرد، باعث ایجاد نگرانی های جدی برای نیروهای مدافع استبداد شده است. به همین خاطر نیروهای وابسته رژیم تلاش دارند که با تمهیدات گوناگون مانع رشد جنبش جوانان و دانشجویان میهن شوند. آنها از یک سو با سیاست سرکوب مستقیم توسط نیروهای انتظامی، و به ویژه نیروی مخفی موسوم به لباس شخصی ها، به پیگرد و دستگیری فعالان دانشجویی مشغولند و از سوی دیگر با ایجاد تفرقه اندازی، تشکل سازی های مصنوعی و وابسته و هم چنین تهدید و ارعاب، قصد خفه کردن این جنبش را دارند. هم اکنون تعدادی از جوانان و دانشجویان بدون هیچ دلیلی و صرفاً به خاطر دگراندیشی و بیان خواسته های حق طلبانه در زندان بسر می برند. یکی از شیوه های مطرود اتهام زنی بر ضد جنبش دانشجویی را می توان در صحبت های اخیر احمد جنتی دبیر شورای نگهبان رژیم به وضوح مشاهده کرد. وی که در اصفهان سخنرانی می کرد، با بیان اظهار تعجب از اتفاقات اخیر در دانشگاه ها (بخوان مبارزه دانشجویان) می گوید: «این حوادث نشان داد که چطور نسل دانشجو اغفال شده است.» جنتی برای ایجاد تفرقه و تهدید دانشجویان و جوانان، آنها را بر طبق سنت همیشگی رژیم، متهم به وابستگی به خارج و عوامل بیگانه می کند و در مقابل از آنها می خواهد که از این حرکت ها دست بردارند و از دولت احمدی نژاد حمایت کنند. وی خطاب به آنها می گوید: «جوانان باید متوجه باشند تا اسباب دست عوامل بیگانه قرار نگیرند. چه آنهایی که رای دادند و چه کسانی که رای ندادند، باید همه از رئیس جمهوری حمایت کنند والا اگر یکی بخواهد حمایت کند و یکی کارشکنی که دولت دیگر نمی تواند کار کند.» این درحالی است که حتا بر طبق گفته های برخی از نمایندگان رژیم، وضعیت جوانان و دانشجویان در زمینه های گوناگون و به خصوص در زمینه کاریابی پس از تحصیلات فاجعه آمیز است. برای نمونه فاطمه رهبر نماینده تهران در مجلس با اشاره به سرنوشت دانشجویان، چنین اعتراف می کند: «متاسفانه در جامعه ما بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاهی به مشاغل پایین نظیر مشاغل خدماتی و منشی گری که اصلاً در شأن یک نیروی علمی نیست، تن داده اند. براساس برنامه چهارم توسعه وزارت تعاون ملزم شده است تا در جهت توانمندسازی فارغ التحصیلان دانشگاه ها اقدامات مقتضی را انجام دهد.» علاوه بر این به گزارش روزنامه شرق دفتر سیاسی جبهه مشارکت در جلسه اخیر خود آخرین تحولات در دانشگاه های کشور را مورد بحث قرار داد. در این نشست با بررسی اعتراضات دانشجویی از اقدامات دولت در دانشگاه ها به بهانه های مختلف انتقاد شده است. توجه به نکاتی که در این جلسه عنوان شده است وضعیت موجود دانشجویان و دانشگاهیان را در جمهوری اسلامی به روشنی تصویر می کند. از جمله سعی بر سیاست زدایی از دانشگاه و نادیده گرفتن استقلال علمی دانشگاه ها، بازنشسته کردن اساتید پرسابقه و انتصابی شدن روسای دانشگاه ها و دانشکده ها که موجب وابسته کردن نهاد علم و پژوهش، از بین بردن آزادی های علمی و ایجاد مانع در مسیر توسعه همه جانبه کشور می شود. همچنین فشار بی سابقه بر فعالان دانشجویی و تعطیلی انجمن های اسلامی در دانشگاه ها و دخالت برخی نهادها در انتخابات تشکل های دانشجویی و استفاده از همه ابزارهای دولتی برای وادار کردن دانشجویان به سکوت مواردی است که در این جلسه مورد بحث قرار گرفته و این گونه اقدامات محکوم شد است. بنابراین واقعیت های موجود و عواملی که جوانان و دانشجویان سراسر کشور را به اعتراض و دفاع از حقوق خود می کند، آن چیزی نیست که آیت الله جنتی تصور می کند. چسباندن اتهام وابستگی و عامل بیگانه بودن به جوانان و دانشجویان نه تنها بی پایه است بلکه زائیده مغزهای بیمارگونه ای است که پشت هر نوع اعتراض و خواسته ای درهم پیچی نظام و حکومت دیکتاتوری را می بینند. در نتیجه وظیفه خود می داند که با هر وسیله ای با این گونه حرکت ها مقابله کند. بدون شک جوانان و دانشجویان با تشدید مبارزات خود پاسخ درخور به این نوع اتهامات خواهند داد .

نامه کارگران به سازمان بین المللی کار: از حضور نمایندگان دولتی در مجامع بین المللی جلوگیری کنید

سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، در نامه ای به دبیرکل سازمان بین المللی کار، با اشاره به گوشه هایی از وضعیت دشوار کارگران ازجمله سرکوب اعتصابات کارگری، زندانی کردن فعالان سندیکایی و ایجاد موانع برسر راه تشکیل و فعالیت سندیکاهای کارگری، خواهان جلوگیری از حضور گروهای دولتی و فرستادگان رژیم در مجامع بین المللی کارگری شده است. این نامه سرگشاده با ذکر حوادث پیش آمده از زمان سرکوب اعتصاب سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی ، از دبیر کل سازمان بین المللی کار «جوان سوماویا» خواسته است که از پذیرش گروه شوراهای اسلامی کار به عنوان نماینده جامعه کارگری جدا جلوگیری گردد و تا رعایت کامل مقررات و استانداردهای پذیرفته شده حقوق بین المللی کارگران این عدم پذیرش ادامه یابد. در بخش هایی از این نامه چنین آمده است: «بدینوسیله به آگاهی می رسانیم از تاریخ ملاقات اعضاء و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد در آخرین مسافرت شما، که در هتل استقلال تهران انجام گرفت، تا به امروز شرایط فعالیت سندیکایی ما بسیار دشوارتر شده است به گونه ای که هم اکنون رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد (آقای منصور اسانلو) در زندان بوده و درخواست ما، اتحادیه های کارگری، حقوق بشری و بسیاری از سازمان ها و شخصیت ها برای آزادی ایشان پذیرفته نشده است. مکان فعالیت سندیکایی ما نیز از تاریخ ۱۰/ ۱/ ۱۳۸۴ پلمپ شده است. همچنین در بهمن ماه ۱۳۸۴ حدود سیصد و پنجاه نفر از کارگران به علت مظنون بودن به شرکت در اعتراض و اعتصاب صنفی از روز قبل از اعلام اعتراض و بسیاری دیگر قبل از ورود به محل کار توسط پلیس دستگیر و به زندان اوین انتقال یافتند. این کارگران بعد از تحمل زندان از پنج روز تا شصت روز، از زندان آزاد شدند. از این دستگیرشدگان شانزده نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا در انتظار محاکمه در دادگاه انقلاب، به سر می برند. در جریان دستگیری سه نفر از همسران اعضای هیات مدیره نیز بازداشت و زندانی شدند. حدود یکصد و پنجاه نفر از کارگران پس از آزادی از زندان هنوز شاغل نگردیده و از دریافت هرگونه دستمزد و حقوقی محروم هستند... این اتفاقات در حالی صورت می گیرد که کشور ما بیش از پنجاه سال است عضو سازمان بین المللی کار است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را بیش از سی سال است پذیرفته، نه تنها هیچ قانون ضدسندیکایی در ایران وجود ندارد بلکه اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت سندیکایی را به عنوان حق مردم به رسمیت شناخته و تفاهم نامه ای با حضور مسئولان سازمان بین المللی کار و در جهت اجرای مقاوله نامه ۸۷ و حقوق سندیکایی در سال ۱۳۸۳ در وزارت کار جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده است.آقای دبیرکل! همان طوری که جنابعالی آگاهید، به دلیل نواقص جدی و عدم رعایت استانداردهای حقوق بنیادین کار به ویژه حق آزادی تشکیل سندیکاهای کارگری در قانون کار جمهوری اسلامی ایران و به دلیل تفاوت بنیادی قانون شوراهای اسلامی کار با مقررات و استانداردهای مذکور، گروه های کارگری اعزامی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران به جلسات سالیانه سازمان بین المللی کار و دیگر مجامع مشابه، مطلقا نماینده ی واقعی جامعه ی کارگری ایران محسوب نمی گردند.بنابر این از جنابعالی درخواست می گردد، از پذیرش گروه شوراهای اسلامی کار به عنوان نماینده جامعه کارگری جداً جلوگیری گردد و تا رعایت کامل مقررات و استانداردهای پذیرفته شده حقوق بین المللی کارگران این عدم پذیرش ادامه یابد.

حکایت جام زهر و داروی تلخ در رژیم ولایت فقیه

در روز ۱۵ خرداد هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در شهر قم به مناسبت مراسم ۱۵ خرداد سخنرانی داشت. هنوز مدتی از آغاز سخنرانی او نگذشته بود که عده ای با صدای بلند به اعتراض برخواسته و با این عمل این مراسم به تشنج کشیده شد. بدون تردید این واکنش در ارتباط نزدیک با انتخابات آتی خبرگان و نقش کلیدی که هاشمی رفسنجانی باید در آن بازی کند، مربوط می شود. زیرا خبرگزاری ها اعلام کردند که: رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

ادامه در صفحه ۵

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

دیروز به شهر قم رفته بود تا ضمن دیدار از آیت الله علی مشکینی رئیس مجلس خبرگان و آیت الله فاضل لنکرانی در مراسم خرداد شرکت کند و در آن به سخنرانی بپردازد. در این مراسم رفسنجانی در سخنانی به «شرایط پرتهدید» کنونی پرداخت و تاکید کرد: «نباید بگذاریم در این شرایط دشمنان انسجام ما را به هم بریزند و با تفرقه از منافذی که ایجاد می کنند، وارد شوند.» در این هنگام ناگهان عده ای با داد و فریاد بر آن شدند که این مراسم را برهم بزنند. آنان تلاش کردند سخنرانی متوقف شود و هاشمی جایگاه را ترک کند اما هواداران حاضر در صحن با شعارهایی مانند «خامنه ای زنده باد، هاشمی پاینده باد» به حمایت از وی پرداختند.این که چه کسانی با چه اهدافی قصد داشتند با ایجاد اغتشاش مانع ادامه سخنان هاشمی رفسنجانی شوند، موضوعی است که باید جداگانه به آن پرداخت. ولی موضوع با اهمیت این نکته است که چگونه است که مراسم رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، کسی که در واقع پس از خامنه ای شخص دوم رژیم محسوب می شود، آن هم در شهر قم مرکز مذهبی ایران دچار چنین تشنج می شود؟ شاید یکی از علل این برخورد را بتوان در سخنان اخیر رفسنجانی جستجو کرد. هاشمی رفسنجانی پس از مدت ها سکوت درباره انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری برای اولین بار نظراتی مطرح کرده است که گوشه هایی از آن را سایت آفتاب تحت عنوان «سوم تیر، واکنش ها به نهمین انتخابات ریاست جمهوری» که گفتگویی است از سوی ربابه باستانی با هاشمی رفسنجانی نقل کرده است. در این بخش از گفتگوها او با مظلوم نمایی و دورویی تلاش می کند توجیهاتی برای مخالفت ها با شخص خود بتراشد و از این منظر دوباره به جلب توجه بپردازد. در این گفتگو نکاتی وجود دارد که جالب است. هاشمی رفسنجانی انتخابات ریاست جمهوری، را به تقلید از خمینی که زمانی پس از پذیرش دیرهنگام آتش بس در جنگ گفته بود، جام زهر را نوشیدم، خوردن داروی تلخ عنوان می کند و می گوید شرکت کردم زیرا فکر می کردم رای می آورم. وی در این مصاحبه به مواردی اشاره کرده که باید آنها را ناگفته های هاشمی رفسنجانی از انتخابات ریاست جمهوری دانست. علاوه بر سخنان عوام فریبانه و تلاش رفسنجانی برای تطهیر شخص و خانواده اش اعتراف یکی از سران اصلی رژیم به افتضاح انتخاباتی و دخالت و دست اندازی ارگان های گوناگون و مقامات در این انتخابات قابل توجه است. البته هاشمی رفسنجانی با مظلوم نمایی این موارد را فقط شامل شخص خود می داند. با این حال این اعتراف بزرگی است از زبان کسی که خود سال های مدیدی ایران را آزاد ترین کشور دنیا معرفی می کرده است. هاشمی رفسنجانی در مقابل این پرسش که: «شما کاندیداتوری خود را برای نهمین دوره ریاست جمهوری با جمله «باید داروی تلخ نامزدی را بخورم» اعلام فرمودید، چه عواملی باعث شد که حضور خود را در انتخابات بعنوان نوشیدن داروی تلخ تلقی فرمایید؟» این گونه پاسخ می دهد: «در مورد انتخابات ریاست جمهوری واقعا فکر می کردم که نباید بیایم، فکر می کردم آدم های خوب در کشور کم نیستند و نوبت آنهاست و ما باید کمک کنیم. اصرار زیاد نخبگان جامعه بود که شما خودتان بخشی از آن را دیدید. حدود هفت تا هشت ماه گرفتار درخواست ها بودم و تقریبا هر روز در اینجا برنامه های جمعی داشتیم و فشار می آوردند. فکر می کردیم باید صبر کنیم و ببینیم نامزدهای انتخابات چه کسانی هستند. آیا انتخابات خوبی خواهیم داشت؟ آیا نتیجه انتخابات آنچه ما بعنوان مسئولان علاقه داریم، خواهد بود؟ در روزهای آخر به این نتیجه رسیدم که آن چیزی که انتظار داشتم، نیست. نه رقابت جدی خواهد بود و نه نتیجه معلوم است... به هر حال من قانع شدم که اگر بیایم، انتخابات را جدی تر می کنم و شاید انتخابات پرشوری برگزار شود. البته آن موقع فکر می کردم که رای می آورم.» هاشمی رفسنجانی در مقابل این سوال که: «جناب عالی در اولین روز بعد از سوم تیرماه در پیامی اعلام فرمودید: «بنا ندارم که در مورد انتخابات شکایت به داورانی که نشان دادند نمی خواهند یا نمی توانند کاری بکنند، ببرم و شکایت خود را همانند مورد قبل فقط در دادگاه عدل الهی مطرح می کنم.» با این مطلب روا ندانستید برای دفاع از خود شکایت از افراد، دستگاه و سازمانی را مطرح فرمایید، آیا در آینده نیز مصلحت نمی دانید این سکوت را پایان دهید؟ » می گوید: «بنده صلاح نمی دانم در این شرایط که دشمنان ایران تلاش دارند حاکمیت و مسئولان نظام را نامشروع جلوه دهند، برگی به آن اضافه کنم. چون اگر آنچه را می دانم مطرح کنم، آنها بیشتر سوء استفاده می کنند. البته مطمئن بودم که اگر شکایت کنم، نتیجه درستی از آن به دست نمی آید .چون آنهایی که باید به شکایت رسیدگی کنند، خودشان مقصرند و در تخلفات شریک بودند که بحث جداگانه ای است. ممکن است عده ای فکر کنند که نتیجه هر چه باشد، خوب است که مردم بیشتر بدانند.ولی من نمی خواهم به انقلاب آسیب برسد، من آمده ام که به انقلاب آسیب نرسد، و اگر الان بخواهم مسائل انتخابات را افشاگری کنم، درست بر ضد هدفی که وارد انتخابات شدم، نتیجه می گیرم. آنها هم می دانستند که من این کار را نمی کنم. همان مقدار که می شد در همان بیانیه که خواندید و شنیدید، آمده است و در این شرایط هم که تهدیدات جدی تر شده، قطعا چیزی بیان نمی کنم.» با خواندن این مطالب مردم از خود می پرسند که پس این همه تبلیغات طی سالیان دراز به خصوص در دو دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، مبنی بر داشتن مشروعیت مردمی رژیم و اینکه جمهوری اسلامی آزادترین کشور دنیا است. چه می شود .این است حکایت نوشیدن جام زهر و داروی تلخ در رژیم ولایت فقیه که درواقع هم مردم با ادامه حیات آن بازنده اصلی هستند.

ادامه پشتیبانی حزب توده ایران...

امسال نیز در پیگیری قطعنامه۲۲ خرداد گذشته دو باره گردهم خواهیم آمد و خواسته های مشخص خود را از جمله منع چند همسری، لغو حق طلاق یکطرفه، حق ولایت و حضانت بر فرزند توسط پدرو مادر بطور مشترک، تصویب حقوق برابر در ازدواج (مانند حق بدون قید و شرط اشتغال و حق تابعیت مستقل زنان متاهل و..) تغییر سن کیفری به هیجده سال، حق شهادت و دیه برابر و لغو قانون قراردادهای موقت کار و دیگر قوانین تبعیض آمیز اعلام میداریم.

تلاش و مبارزات پیگیر زنان کشور ما بار دیگر نشان دهنده توانمندی جنبش مستقل زنان ایران در شرایطی است که تاریک اندیشان ولایت فقیه با استفاده از اهرمهای مختلف سرکوب ، حتی استفاده از نمایندگان گوش به فرمان زن ، درصدد اجرای مقاصد و افکار قرون وسطایی خود هستند و رئیس مرکز امور زنان و خانواده که نماینده ناب تفکر ارتجاعی ولایت فقیهی است اعلام میدارد که‌معاهدات بین المللی حرام است و تا زنده است نمی گذارد ایران به پیمان های جهانی از جمله کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان به پیوندد و تک همسری رایج در غرب الگوی آنها نیست و برای حل مشکلات زنان از اجرای طرح رحمت با کمک حوزه های علمیه خبر می دهد، یا نمایندگان دست نشانده مجلس هفتم بجای حل معضلات بیشمار اجتماعی به طرح هایی از قبیل طرح توسعه حجاب و عفاف مشغولند و ارتجاع حاکم با سیاست های ضد مردمی خود، زنان و بویژه زنان زحمتکش و کارگر میهن مان را در معرض فقر بیشتر و آسیب های مختلف اجتماعی قرار داده و قراردادهای موقت کار به توده ها تحمیل میشود، سندیکاها و جنبش کارگری مورد هجوم قرار می گیرند، دانشجویان مبارز دستگیر و زندانی می شوند و... در این شرایط جنبش اعتراضی زنان صدای حق طلبانه خود را برای لغو قوانین زن ستیز در قانون اساسی و لغو قراردادهای موقت کار، هر چه رساتر ساخته و فصل جدیدی را در مبارزات دموکراتیک زنان ایران به نمایش می گذارد. زنان مبارز با اعتراض به قوانین زن ستیز، در واقع مبانی فکری ارتجاع ولایت فقیه را نشانه می گیرند، مبانی یی که سرکوب و تبعیض علیه زنان را امری طبیعی و شرعی تبلیغ می کند و زنان را شهروندانی درجه دو و در خدمت همسران می خواهد و به هنگام انتخابات ابزاری برای رای دادن به ارتجاع ولایت فقیه! زنان می دانند که مبارزات مستقل آنان در پیوند با مبارزات دیگر نیروهای مردمی از قبیل کارگران، دانشجویان و زحمتکشان است که به بار می نشیند ودر این رابطه تلاش آنان در پیشبرد مبارزات مردمی برای دستیابی به آزادی، صلح و عدالت اجتماعی ستایش انگیز است. حزب توده ایران ضمن حمایت از مبارزات بر حق زنان ایران، اعتقاد عمیق دارد که بدون آزادی و برابری برای زنان میهن، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور میسر نیست. از این رو حزب توده ایران بار دیگر همبستگی رزم جویانه خود را با زنان شجاع و آگاه میهن مان اعلام می نماید و از همه زنان و مردان آزادیخواه، دعوت می کند که در تظاهرات مسالمت آمیز ۲۲خرداد هشتاد و پنج، برای لغو قوانین زن ستیز و دیگر قوانین ضد مردمی حضور وسیع و شرکت فعال داشته باشند. پیروز باد مبارزات دلیرانه زنان شجاع و آگاه میهن مان برای دستیابی به برابری حقوق و رهایی از چنگال ستم طبقاتی و جنسی.

ادامه باید بر دشواری های کنونی ....

فشار گذاشتن نیروهای اصلاح طلب و نیروهای مترقی و دموکراتیک سیاست ها و تاکتیک های مشخصی را دنبال کرده است که توجه به آنها ضروری است.

۱. سیاست تبلیغات گوبلزی

ماشین تبلیغاتی رژیم، از صدا و سیمای آن تا روزنامه های گوش به فرمان ولی فقیه کارزار گسترده و وسیعی را برای وجهه مردمی دادن به رئیس جمهوری رژیم به راه انداخته اند. سفرهای مختلف و تقریباً وقفه ناپذیر احمدی نژاد، با صرف هزینه های هنگفت به شهرهای مختلف، بخشی از برنامه برای پوشش تبلیغاتی گسترده برای عوام فریبی های رئیس جمهوری رژیم است. نگاهی به اظهارات روزمره احمدی نژاد گواه این نظر است که اساس این سخنان شعارهای دروغینی است که نه تنها عمدتاً در سال گذشته تحقق نیافته اند بلکه در واقعیت امر چشم انداز تحقق آنها در سال های آینده نیز ممکن نخواهد بود. شعار «نفت بر سر سفره مردم» که در جریان انتخابات توسط احمدی نژاد مطرح شد همان قدر تحقق یافته است که شعارهای بعدی او در زمینه ریشه کنی بیکاری و رشد اقتصادی. نگاهی به آمار اقتصادی روز مراکز آماری کشور نشانگر این واقعیت است که در وضعیت زندگی روزمره مردم نه تنها بهبودی حاصل نشده است بلکه در بر همان پاشنه گذشته می چرخد و تنها سرمایه داران بزرگ اند که از سیاست های کنونی حداکثر استفاده را به عمل می آورند. بر خلاف برخی نظرات و موضع گیری ها در زمینه وجود اختلافات اصولی و جدی در صف ارتجاع، از جمله اختلاف گروه احمدی نژاد، به رهبری مصباح یزدی با علی خامنه ای واقعیت این است که سیاست های اتخاذ شده کنونی در عمده ترین خطوط آن سیاست های برنامه ریزی شده و مورد تأیید ارتجاع است. دفاع پیگیر خامنه ای از دولت جدید و از جمله سخنان روزهای اخیر او در دفاع جانانه از احمدی نژاد و این ادعا که احمدی نژاد محبوب ترین رئیس جمهوری ایران پس از مشروطیت است، صرف نظر از بی دقتی شخص رهبر نسبت به تاریخ معاصر کشور مبالغه بی ارزشی در بزرگ نمایی مأمور گوش به فرمان خود اوست.

۲. دامن زدن به بحران بین المللی و منطقه یی برای مصرف داخلی

سران رژیم ولایت فقیه مانند دیگر رژیم های دیکتاتوری دریافته اند که «خطر دشمن خارجی» و ایجاد حالت بحرانی و نیمه جنگی حربه موثری برای پیش برد سیاست های داخلی و زیر فشار قرار دادن مردم و نیروهای اپوزیسیون است. شعار «جنگ نعمت است» نمونه روشن چنین دیدگاه و عملکرد ماکیاولیستی است که حاضر است میهن و منافع آن را برای حفظ منافع رژیم فدا کند.شروع جنگ ایران و عراق، در سال های نخستین پس از پیروزی انقلاب، در فاصله کوتاهی به متوقف شدن روند اصلاحات عمیق اجتماعی، از جمله اصلاحات ارضی و سپس شروع کارزار خشن و خونین سرکوب نیروهای مترقی و آزادی خواه منجر شد. سیاست کنونی مقابله جویی های عوام فریبانه با غرب و ایجاد حالت فوق العاده و بحرانی در کشور نیز در راستای مشابهی برای تشدید فشار بر نیروهای سیاسی – اجتماعی مخالف و تحمیل سیاست های ارتجاعی رژیم بر میهن ما دنبال می شود.

۳. حرکت سازمان یافته برای سرکوب نیروهای اجتماعی – سیاسی

ما در طول سال گذشته شاهد تشدید فعالیت های امنیتی– سرکوبگرانه نیروهای ارتجاعی بوده ایم. فشار بر روی رسانه های نسبتاً مخالف و مدافع اصلاحات، یورش وسیع برای سرکوب جنبش دانشجویی و تهاجم سازمان یافته برای درهم کوبیدن جنبش مستقل سندیکایی – کارگری کشور نمونه های روشنی از عملکرد چنین سیاست هایی است. در همین راستا ما شاهد تشدید فشار بر طیف وسیع نیروهای اصلاح طلب به منظور در هم شکستن و به پراکندگی کشاندن آنها نیز بوده ایم. ثمره مستقیم این فشارها را می توان در بی عملی و برخوردهای منفعلانه این نیروها با مسایل حاد کشور مشاهده کرد. به رغم تأکید همه نیروها مبنی بر ضرورت اتحاد عمل مدافعان اصلاحات و دموکراسی ما شاهد پیدایش صف بندی های جدید و بعضاً عقب نشینی شماری از این نیروها از مواضع سابقشان هستیم. سنگ اندازی در زمینه ایجاد یک جبهه واحد برای دموکراسی و بر ضد استبداد و دیکتانوری یکی از نمادهای چنین وضعیتی در فضای سیاسی کشور است. ارتجاع با اتکاء به همین ضعف ها و بی عملی ها گام به گام پیشروی می کند و زمنیه ها را برای تلاش های مشترک نیروهای مترقی بیش از پیش محدود می سازد.

مبارزه دشوار پیش رو و وظایف ما

آنچه روشن است این واقعیت است که دولت ارتجاعی کنونی با گذشت زمان و روشن شدن بیش از پیش ماهیت عوام فریبانه اش وهمچنین ادامه سیاست های مخرب و ضد مردمی اجتماعی – اقتصادی اش که زمنیه ساز اصلی بحران های دهه های اخیر در میهن ما بوده است خیلی زود همچون دولت رفسنجانی با بحران های جدی مواجه خواهد شد. خواست اصلاحات و ایجاد تغییرات اساسی در شیوه حکومتی در میهن ما به رغم عقب گرد سال گذشته نه تنها نابوده نشده است بلکه همچون آتشی زیر خاکستر منتظر جرقه جدیدی است. باید با توجه به تجربه هشت سال گذشته با پیگیری و انسجام و با استفاده از همه امکانات موجود به سازمان دهی نیروهای اجتماعی پرداخت. ادامه کار در زمینه بازسازی جنبش مستقل کارگری، از زیر ضربه خارج کردن جنبش دانشجویی و تقویت آن و همچنین ارتقاء و رشد جنبش مستقل زنان از جمله وظایف تأخیر ناپذیری است که باید در راه تحقق آن کوشید. ایجاد یک ستاد مشترک مبارزه سیاسی از همه نیروهای مترقی و آزادی خواه و همه نیروهای مدافع اصلاحات، برای دموکراسی و عدالت اجتماعی نیز می تواند گام مهمی در سازمان دهی امر مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه باشد. تنها با عمل مشترک همه نیزوهای مترقی و مردمی است که می توان بر دشواری های کنونی غلبه کرد و راه را برای مقابله با توطئه های ارتجاع هموار کرد.

ادامه سیاست های کارگر ستیزانه ....

بنابه اعتراف اعضای شورای عالی کار ۸۰ درصد کارگران شاغل در واحدهای کوچک کمتر از ۱۰ نفر از مزایای بیمه تامین اجتماعی محروم هستند، براساس دستورالعمل دولت احمدی نژاد و توافق سازمان تامین اجتماعی و یک بنیاد انگلی به نام دعبل، قرار است به جای کارگران، روضه خوان ها و مداحان و گردانندگان تکایا و حسینیه ها و مسئولین دسته های سینه زنی تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار بگیرند. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) این گزارش را در تاریخ ۸ خرداد ماه منتشر ساخت و از جمله در آن آمده است: «مداحان و شاعران اهل بیت [روضه خوان ها] تحت پوشش و عضو بنیاد دعبل که کمتر از ۵۰ سال تمام سن داشته و مشمول نظام حمایتی خاصی نیستند، از ابتدای اسفند ماه گذشته تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار گرفتند. مطابق بخشنامه صادره، بنیاد مذکور مسئولیت احراز شرایط مشمولین، تنظیم و ارسال لیست ماهانه آنان را ظرف مهلت مقرر عهده دار بوده و نسبت به پرداخت حق بیمه مقرر اقدام می نماید.

کوتاه سخن دولت احمدی نژاد و وزیر کار آن ضمن ادامه و تشدید سیاست های کارگز ستیزانه هر روز مشکلات جدیدی را برای کارگران و زحمتکشان میهن ما پدید می آورند. بدون مبارزه آگاهانه و متحد با این سیاست های مخرب نمی توان به شکل موثر با تهاجم ارتجاع به حقوق کارگران و زحمتکشان میهن ما مقابله کرد.

ادامه شرکت هیأت نمایندگی ....

کمونیست بریتانیا، و مسئول روابط بین المللی حزب به عهده داشت.

رفیق امیدوار در سخنرانی خود گوشه های اصلی تحلیل حزب توده ایران از اوضاع بین المللی و سیاست های امپریالیسم در رابطه با خاورمیانه و کشورمان در دهه های اخیر مورد بررسی قرار داد. او با اشاره به تاریخ معاصر و مداخلات بی وقفه امپریالیسم در اوضاع ایران از جمله به وجود اسناد جالبی در این زمینه در مرکز اسناد رسمی بریتانیا، در لندن، و افشای نقش دولت های آمریکا و بریتانیا در سازمان دهی کودتای ۲۸ مرداد بر ضد دولت ملی دکتر مصدق، با هدف سرکوب خشن حزب تودهٔ ایران و جنبش مردمی برای ملی کردن صنعت نفت ایران، اشاره کرد.

رفیق امیدوار با اشاره به انقلاب عظیم مردم ایران و شعار های انقلاب ملی و دموکراتیک بهمن ۵۷، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، به توطئه های متعدد امپریالیسم برای در هم شکستن انقلاب، و از جمله جنگ تحمیلی ۸ ساله با عراق اشاره کرد. او تاکید کرد که : ایالات متحده هیچ گونه علاقه ای به آوردن دموکراسی واقعی به ایران ندارد و این کشور عمدتاً مسئول وضعیت کنونی در کشورمان است. رفیق امیدوار در سخنرانی خود ضمن اشاره به حق خدشه ناپذیر کشورها، از جمله ایران، در زمینه بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته ای، مخالفت قاطع حزب تودهٔ ایران را با هرگونه مداخله خارجی در امور ایران اعلام کرد. رفیق امیدوار ضمن اشاره به سیاست های مخرب امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و اشغال نظامی افغانستان و عراق و اثرات فاجعه بار این سیاست ها از جمله اشاره کرد که هرگونه تشدید درگیری نظامی در منطقه می تواند عواقب به مراتب خطرناک تری برای کل منطقه و جهان به همراه داشته باشد.

نماینده حزب توده ایران در سخنرانی خود که مورد استقبال حضار قرار گرفت، و روز پس از کنگره، در روزنامه انگلیسی زبان مورنینگ استارچاپ شد، به سیاست های رژیم ولایت فقیه و نقطه نظرهای رئیس جمهوری ارتجاع اشاره کرد. او متذکر شد که سران رژیم مترصدند که از بحران کنونی به منظور پرده استتاری برای سرکوب نیروهای مترقی و جنبش های مردمی سوء استفاده کنند. او در این زمینه به سرکوب اتحادیه های کارگری مستقل و از جمله سندیکای کارمندان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، حمله به تشکل های دانشجویی و سرکوب جنبش زنان اشاره کرد.

گروه پزشکی کوبا در خدمت محرومان پاکستان

گروه کوبایی«بریگاد هنری ریو» پس از اتمام خدمات پزشکی شان در پاکستان، جایی که شش ماه قبل و درست شش روز پس از وقوع زمین لرزه پاکستان، یعنی در ۱۶ مهرماه به آنجا اعزام شده بودند، آماده بازگشت به کشورشان هستند. «بریگاد هنری ریو»، آماده کمک به آسیب دیدگان در همه جای دنیا است. نام «بریگاد هنری ریو» از نام یک داوطلب آمریکایی شرکت کننده در جنگ های استقلال کوبا برگرفته شده است.

کمکهای پزشکی کوبا شامل تجهیزات کامل برای ۳۲ بیمارستان و تعلیم ۴۵۰ پزشک درارتش پاکستان برای اعمال جراحی نیز بوده است. در ابتدا، کمکهای داوطلبانه کوبا از طرف پاکستان به پنجاه پزشک محدود شده بود اما پس از یک مکالمه تلفنی فیدل کاسترو، رئیس جمهوری کوبا، با رئیس جمهور پاکستان (پرویز مشرف) درها بازشد. شش ماه بعد، صحبت آنها از روابط بین دو کشور است. کوبا از مشرف برای شرکت در جنبش غیر متعهد ها که در شهریور ماه آینده در هاوانا برگزار می شود، دعوت کرده است. کوبا همچنین تربیت هزار پزشک جوان پاکستانی را به طور رایگان تقبل کرده است. تغییر و تحولی که بین دو کشور رخ داده است از آمار مربوطه کاملاً مشخص است. پس از زلزله، ۷۵ هزار نفر پاکستانی مردند، بیش از ۱۲۰ هزار نفر مجروح و ۳/۳ میلیون نفر بی خانمان شدند. داوطلبان کمک به سانحه دیدگان از طرف کوبا ۲۴۶۵ نفر دست اندر کاران خدمات پزشکی بودند که ۱۴۳۰ نفرشان پزشکان متخصص اند و در بیش از چهل کشور جهان سابقه فعالیت داشته اند. آنها تقبل ارائه خدمات پزشکی به بیش از یک میلیون نفر، که بیش از نیمی از آنها زن می باشند، را عهده دار شدند. ۱۲۴۰۰ عمل جراحی، بستری کردن ۱۲۰۰۰ بیمار در بیمارستان ها، معاینه ۴۴۰۰۰۰ نفر در چادرها و یا خرابه ها و برنامه ریزی برای ارائه خدمات فیزیوتراپی به ۴۳۲۱۱۸ نفر که تا به حال ۷۶۱۸۲ نفرشان را معالجه کرده اند، از جمله دستاوردهای پزشکان انترناسیونالیست کوبایی است. آنها در ۴۴ نقطه مختلف پاکستان مشغول به کار بودند که از این میان اداره ۳۲ تا از ۴۴ بیمارستان صحرایی در پاکستان، توزیع ۲۳۴/۵ تن دارو و عرضه ۲۷۵/۵ تن تجهیزات با دوام که در پاکستان باقی خواهد ماند، کارنامه آنها در پاکستان است. حدود ۹۰۰ نفر از دانشجویان پزشکی و پزشکان ارتش پاکستان در کنار آنها فعالیت داشتند. کمکهای کوبا به پاکستان آشکارا بر اساس گواهی و شهادت شهروندان پاکستانی، قابل تقدیر است. به طور مثال هنگامیکه جیپ حاوی پزشکان قادر به ادامه راه نبود، پزشکان زن کوبائی بقیه مسیر را در حالی که بار داروها را حمل می کردند، پیاده طی کردند. یک گزارشگر با حیرت از کوبائی ها که چه راحت خود را با محیط وفق می دهند، نقل می کند، کاملا در حیرت بودم که چطور یک پزشک جوان کوبائی به هنگام معاینه پیرمردی با او به زبان اردوئی صحبت می کرد. دکتر گفت: «که من چند ماه است که اینجا زندگی می کنم، آسان نیست ولی خوشم می آید، زندگی در اینجا مثل زندگی در اردو است و من هم یک سپاهی هستم.» شرمان عبید چینوی، گزارشگر پاکستانی، در خاطرات روزانه اش می نویسد: «بوی تعفن اجساد هنوز به مشام می رسید، خانواده ها همه بطور تنگاتنگی دورهم گرد آمده اند، چادری که من در آن اقامت داشتم سرد و یخبندان بود و وقتی که می خواستم بخوابم انگشتان دست و پایم از سرما بی حس بودند. در چادر بغلی صدای شیون طفلی به گوش می رسید، نه عکس و نه اخبار تلویزیون می توانست نشان دهنده وضعیت حاکم بر این مردم باشد. کوبائی ها نشان دادند که با چه حساسیتی به عقاید مذهبی، زبان، و آگاهی مردم پاکستان احترام قائل اند. تعداد زیادی از زنان پاکستانی پزشک مرد را نمی پذیرفتند. و جالب این بود که به دلیل اینکه نیمی از پزشکان کوبائی زن بودند توانستند جان زنهای پاکستانی را نجات دهند. دکتر ایتالو سوبارو می گوید که پزشکان کوبایی بی نظیر هستند: من زنی را پیدا کردم که شکستگی استخوان ران داشت. بانو دکترخوان کارلوس را صدا کردم، و آن ها او را عمل کردند. هنگامی که به دیدار آن زن پاکستانی رفتم، دیدم که به رودخانه و کوه خیره شده بود و با لبخندی بر لب گفت: خدا را شکر که پزشکان کوبائی اینجا هستند. »

ارتشبد ندیم، رئیس پرسنلی ارتش، می گوید: «ما هرگز رویای این را هم نمی دیدیم که روزی کوبائی ها به پاکستان بیایند. آنچه در طول این مدت مشاهده کردم، تجلی حرفه ای تعهد و عزم تک تک آنها بود.» سرهنگ عاطف شفیق، همقطار وی، ضمن تایید سخنان او می افزاید: کوبا اکنون در خون و احساس من رخنه کرده است. مردم جهان که شاهد رفتار آشنای ایالات متحده و هم پیمانانش که با هواپیماهای ارتشی مشغول حمل و نقل مردان پاکستانی به زندان مخوف گوانتانامو می باشند، از سوی دیگر ناظر عملکرد انساندوستانه کوبائی ها هستند که کودکان پاکستانی را برای معالجه و توانبخشی و مراقبت های ویژه به کوبا می فرستند. برخورد کوبا به امر پزشکی بر این اصل استوار است که منافع انسان ها ارجحیت دارد. به قول کاسترو: «ما پزشکان را با مدرن ترین فن آوری و سطح دانش، با تربیت اخلاقی مورد لزوم که به امر خدمت به نوع بشر مفید باشند، تعلیم می دهیم. ما وظیفه سنگین خدمت به نوع بشر را سر لوحه کارمان قرار داده ایم و مصمم به توسعه و گسترش بهداشت و سلامتی هستیم.»

به نقل از نشریه «هفته نامه جهان مردم»، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

شرکت هیأت نمایندگی حزب توده ایران در چهل و نهمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا

گردهمایی بین المللی «بر ضد امپریالیسم، و در دفاع از حق حاکمیت ملی»

به دعوت رهبری حزب کمونیست بریتانیا، هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره حزب برادر که در فاصله روزهای ۱۲ تا ۱۴ خردادماه در شهر کرویدون، در نزدیکی لندن، برگزار شد، شرکت کرد. هیأت های نمایندگی احزاب کمونیست چین، کوبا، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، شیلی، ایرلند، سودان، عراق و کردستان عراق نیز در کنگره حضور داشتند. پیام کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به کنگره تقدیم شد که مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

کنگره پس از استماع و تائید گزارش کمیسیون بررسی اعتبارنامه نمایندگان و دریافت گزارش های اولیه و تائید ترکیب کمیته های قطعنامه و نیز تدارک انتخابات با سخنرانی رفیق رابرت گریفیث، دبیرکل حزب برادر، که گزارش کمیته مرکزی را به کنگره ارائه داد، آغاز به کار کرد. دستور کار اصلی کنگره در بر دارنده بحث، تدقیق و تصویب سه قطعنامه عمده بود. رفیق مری دیویس، عضو هیئت سیاسی حزب و از مبارزان سرشناس اتحادیه اساتید دانشگاه های اتگلستان در سخنرانی خود در دفاع از اولین قطعنامه در رابطه با حمایت از «یک حزب کارگر مترقی، یک برنامه چپ، اتحاد چپ و یک حزب کمونیست قدرتمند» به نمایندگی از رهبری حزب گفت: «در میان تمامی کشورهای اروپای غربی، بریتانیا شاید شاهد بی رحمانه ترین و طولانی ترین تهاجم به سیستم تامین اجتماعی بوده است.... فاصله بین فقیر و غنی از هر زمانی بیشتر شده است. حداقل دستمزد در سطحی بسیار پائین تعیین شده و دولت قادر به کاهش این فاصله نیست.» رفقیق دیویس در سخنرانی خود به جنبه هایی از سیاست دولت که فقر در میان زنان را در جامعه نهادینه کرده است و همچنین به تهاجم رسمی به سیاست های مدافع رفع تبعیض نژادی در انگلستان اشاره کرد. او گفت که شورش های سال گذشته در فرانسه نشانگر ضرورت «مبارزه با نژادپرستی به عنوان یک شکل مشخص ظلم اقتصادی و اجتماعی به شهروندان رنگین پوست در زندگی روزمره شان» است. در پایان رفیق دیویس به ضرورت بردن برنامه های چپ به میان مردم از طریق بحث آن در جنبش کارگری و حمایت از منشور زنان و نیز سیاست هایی که از طرف کنفرانس سندیکالیست های رنگین پوست اتحادیه های کارگری اتخاذ می شوند، به عنوان اجزاء ضروری برای حصول وحدت طبقه کارگر مورد توجه قرار داد. قطعنامه دوم کنگره تحت عنوان «عقب گرد امپریالیسم و فرصت های جبهه چپ» به شرایط بین المللی اختصاص داشت، و در آن به شرایط ایجاد شده در جهان به دلیل سیاست های ایالات متحده توجه داده شده بود. قطعنامه به مسئله تجاوز آمریکا به عراق و وضعیت اسفبار خاورمیانه اشاره کرده و به موازات و در مقابل آن به پیروزی های متعدد نیروهای مترقی و پیشرو در جهان و به ویژه در آمریکای جنوبی در سال های اخیر، اشاره داشت. کنگره در رابطه با بحران اخیر خاورمیانه و با مشورت هیأت نمایندگی حزب مان قطعنامه ویژه ای دربارهٔ تهدیدهای ایالات متحده بر ضد ایران به تصویب رساند.

قطعنامه همبستگی با مردم ایران

قطعنامه با اشاره به تنش فزاینده بین المللی اعلام خطر کرد که خاورمیانه ممکنست به یک درگیری و خونریزی دیگر کشانده شود. «بحران کنونی بین المللی در رابطه با هدف استراتژیک امپریالیسم برای کنترل منطقه نفت خیز خلیج فارس و حفظ منافع متحد استراتژیک آن، دولت اسرائیل، است. این مسئله چندان به برنامه هسته ای غیرنظامی ایران ربطی ندارد، بلکه مربوط به خواست امپریالیسم برای تسلط استراتژیک بر منطقه است.

رفیق سلمیس دومینگو، کنسول سیاسی سفارت کوبا در حال سخنرانی

ایالات متحده و متحدان آن اسرائیل و پاکستان به صورت عریان و آشکار قرارداد عدم اشاعه سلاح های هسته ای را نقض کرده اند و ذخایر وسیعی از سلاح های کشتار جمعی وهسته ای گرد آورده اند.

کنگره همبستگی خود با مبارزه مردم ایران بر ضد رژیم ارتجاعی را که سعی دارد از بن بست کنونی بین المللی به عنوان یک پرده استتار برای سرکوب فزاینده نیروهای مترقی در ایران سوء استفاده کند، اعلام کرد. «حملات اخیر به فعالان سندیکایی، دانشجویان، زنان فقط نمونه هایی اند از چگونگی سوء استفاده رژیم از شعار های ضد غربی.» قطعنامه همچنین «مخالفت صریح و یکپارچه حزب کمونیست بریتانیا با هرگونه مداخله خارجی در مسایل داخلی ایران را اعلام کرد.» حزب کمونیست بریتانیا خطاب به سازمان ملل از آن خواست که با اقدام نظامی بر ضد ایران مخالفت کند، قوانین بین المللی را حفاظت کند و از راه حل های سیاسی و مبتنی بر مذاکره حمایت نماید. قطعنامه همچنین از جنبش صلح بین المللی خواستار شد که تخصیص یک روز ویژه برای فعالیت بر ضد تهدید جنگ علیه ایران را مورد بررسی قرار دهد.

گردهمایی بین المللی «بر ضد امپریالیسم، و در دفاع از حق حاکمیت ملی»

در یک گردهمایی بین المللی بسیار موفق در حاشیه کنگره رفیق سلمیس دومینگو، کنسول سیاسی سفارت کوبا، در انگلستان، رفیق دکتر کارولوس ویمر، عضو رهبری حزب کمونیست ونزوئلا و از مسئولان کمیسیون روابط خارجی پارلمان این کشور، رفیق سلام علی، سخنگوی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، و رفیق محمد امیدوار، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در رابطه با سیاست های امپریالیسم در قبال کشورهای خود و ضرورت دفاع از حق حاکمیت ملی سخن گفتند.

مسئولیت این جلسه موفق را که با حضور هیئت رهبری حزب برادر و همه نمایندگان کنگره و مهمانان بین المللی کنگره برگزار شد رفیق جان فاستر، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب

ادامه در صفحه ۷

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. http://www.tudehpartyiran.org
4. E-mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom-NO 740
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 June 2006

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰ – ۴۹ – ۳۰ – ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام IRAN e.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse